اطلاعات ۱۳۰۵
*شنبه ۵ اسفند ۱۴۰۲ *۱۴ شعبان ۱۴۴۵
*۲۴ فوریه ۲۰۲۴ * سال نودوهشتم * شماره ۲۸۶۱۵
ettelaat.com ettelaatonline

مقاله

یاد خدا

آیت‌الله‌العظمی حسین مظاهری

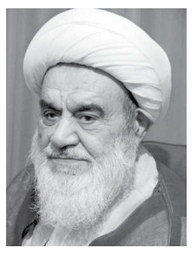

یاد خدا

افرادی هستند که دست عنایت خدا بر سر آنهاست و خداوند لحظه به لحظه آنان را رو به فضیلت بالا می برد. آنها کسانی هستندکه دائم ذکر می گویند و همیشه به یاد خدا هستند؛ همه جا را محضر خدا می دانند و ادب حضور را مراعات می کنند. قرآن کریم می فرماید: «**إن الذین قالوا ربنا اللّهُ ثُم استقاموا**: کسانی که گفتند: «پروردگار ما خداست»، سپس ایستادگی کردند، **تتنزلُ علیهمُ الملائکه ألا تخافوا و لا تحزنوا وأبشروا بالجنّه التی کُنتُم توعدون**: فرشتگان بر آنان فرود می آیند[و می گویند:] «هان، بیم مدارید و غمین مباشید، و به بهشتی که وعده یافته بودید، شاد باشید. **نحنُ أولیاؤُکُم فی الحیاه الدنیا و فی الآخره**: در زندگی دنیا و آخرت، دوستانتان ماییم» (فصلت، ۳۰ـ۳۱). همه باید چنین باشیم. حالا دل ما، محیط ما، اعمال ما، اقتضا نمی کند، حرف دیگری است؛ ولی باید چنین باشیم.

برخی مفسران چنین ارتباطی با ملائکه را مربوط به وقت مرگ می دانند؛ اما آنچه آیهٔ شریفه می گوید، مهمتر از این حرفهاست. کسی که بگوید: «اللّه» و بر آن پا برجا باشد و استقامت بورزد، یعنی کسی که همه جا را، چه در خلوت و چه در جلوت، محضر خدا بداند و ادب حضور را مراعات کند، چنین فردی «تتنزلُ علیهمُ الملائکه»؛ با فرشتگان سر و کار خواهد داشت و اگر خوف یا غصه‌ای برایش پیدا شود، ملائکه می آیند، دلداری می دهند و می گویند: «ألا تخافوا و لا تحزنوا و أبشروا بالجنه». غم و غصه در دنیا برای کسی که آخرت را با همهٔ آن مقام‌ها دارد، یعنی چه؟ کسی که خدا را دارد، ترس برایش چه معنایی دارد؟ بعد هم می گویند: ما کمک کار تو هستیم: «نحنُ أولیاؤُکُم»؛ خدا ما را خلق کرده است که یار و یاور تو باشیم.

دو آیه در قرآن است که تقاضا دارم به آنها خیلی توجه کنید، خیلی مهم است. آیهٔ اول می فرماید: «**کان حقاً علینا نصرُ المُؤمنین**: یاری کردن مؤمنان بر ما فرض است» (روم، ۴۷)؛ مؤمن به ما، حتماً حق دارد. حق چه چیز را دارد؟ حق دارد که او را کمک کنیم. آیهٔ دوم راجع به گرفتاری هاست؛ نه فقط گرفتاری در زندگی دنیوی، مثلاً اگر شبهه برایش پیدا شود و نمی تواند آن را حل کند یا مثلاً حال قبض پیدا کرده و نمی تواند آن را رفع کند. قرآن می فرماید: «**کذلك حقاً علینا نُنج المُؤمنین**» زیرا بر ما فریضه است که مؤمنان را نجات دهیم» (یونس، ۱۰۳).

خدا روی ذکر تأکید فراوانی دارد: «**یا أیها الذین آمنوا اذکُروا الله ذکراً کثیراً و سَبّحوهُ بُکرَةً و أصیلاً**: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خدا را یاد کنید، یادی بسیار. و صبح و شام او را به پاکی بستایید» (احزاب، ۴۱ـ۴۲). امام صادق(ع) فرمود: «خدا هر چیزی که از بنده‌هایش خواسته، مقیّد خواسته، به غیر یک چیز»؛ مثلاً گفته نماز بخوانید، هفده رکعت می شود که محدود است. گفته یک ماه روزه بگیرید، گفته خمس و زکات بدهید، یک حدی دارد، بالأخره همهٔ واجبات و مستحبات حدی دارند، به غیر از یک چیز که از نظر قرآن حد ندارد، بلکه همیشگی می خواهد و آن «ذکر» است. سپس امام این آیه را تلاوت کردند: «یا أیها الذین آمنوا اذکُروا الله ذکراً کثیراً...». قید «بُکرةً و أصیلاً» در این آیه، بر کثرت ذکر تأکید دارد و معنایش این است که بنده همیشه باید به یاد خدا باشد: صبح و شام.

من دیده‌ام افرادی که در اغما هستند، اما اهل ذکرند؛ موقع مرگشان است، امابه «لااله الاالله» و «یاالله» توجه دارند و به هیچ چیز دیگر توجه نمی کنند. این افراد اگر پیش بروند، در خواب هم اهل ذکر می شوند و می توانند نفی خواطر بکنند. خوشا به حال آنها که در خواب و بیداری نفی خواطر می کنند؛ وسوسه ها، تخیل ها و فکرهای بی جا نمی تواند به سراغ آنها برود. این افراد دل دارند و دلشان در دارد و آن به روی وسوسه ها و توهم ها بسته می شود. به این «نفی خواطر» می گویند که خیلی مشکل است، اما گروهی راه را رفته‌اند و شده است. علامه طباطبایی(ره) روزهای آخر عمر را سپری می کردند که عده‌ای از شاگردها خدمتشان رسیدیم. با اینکه حال ایشان بد بود، با ادب و خضوع نشسته بودند. من گفتم: «آقا! یک نصیحت کنید تا مرخص شویم»، فرمود: «**فاذکُرونی أذکُرکُم**: مرا یاد کنید، تا شما را یاد کنم» (بقره، ۱۵۲). چند روز بعد در بیمارستان به ملاقات رفتیم. خانمشان گفتند: حالی پیدا کرد و چند مرتبه گفت: «توجه، توجه، توجه» تا از دنیا رفت. این «فاذکُرونی أذکُرکُم» را از چند روز قبل به ما گفتند و بعد هم موقع مرگ یک پیام عمومی به همه دادند: «توجه، توجه، توجه»!

ذکر مراتبی دارد؛ مرتبهٔ اول آن ذکر لفظی یا ذکر زبانی است. هر کسی باید ذکری انتخاب کند و مرتب بگوید. سفارش می کنند کسانی که هنوز به جایی نرسیده‌اند، ذکر یونسیه را بگویند و به معنای آن توجه کنند: «**لا اله الا أنت سُبحانك إنّی کُنتُ من الظالمین**: معبودی جز تو نیست، منزهی تو، راستی که من از ستمکاران بودم» (انبیاء، ۸۷). خداوند حضرت یونس(ع) را که پیامبر بود، به دلیلی در دل ماهی زندانی کرد و قرآن می گوید: اگر او اهل ذکر نبود، تا روز قیامت باید در آنجا می ماند: «**فلو لا أنّهُ کان من المُسبحین للبثَ فی بطنه الی یوم یُبعثون**: اگر او از زمرهٔ تسبیح کنندگان نبود، قطعاً تا روزی که برانگیخته می شوند، در شکم آن [ماهی] می ماند» (صافات، ۱۴۳ـ۱۴۴).

این **مرتبهٔ اول** ذکر است که همه باید داشته باشیم. اذکاری مانند صلوات، «لااله الاالله» و «لا حول و لا قوه الا بالله» را که هر کدام خصوصیتی دارد، مرتب بگوییم. اما بر ذکر یونسیه خیلی سفارش شده است. لازم هم نیست که دو زانو و رو به قبله باشیم یا آداب خاصی به جا آوریم، بلکه در راه می شود ذکر گفت. انسان می تواند در راه یا در بین کارهای روزانه، سورهٔ توحید را بخواند یا صلوات بفرستد.

مرتبهٔ دوم، ذکر قلبی است، یعنی قلب به دنبال زبان بگوید: «لااله الاالله» تا کم کم به آنجا برسد که در مجلس شام، مؤذن گفت: «اشهد ان لااله الاالله»، امام سجاد(ع) فرمود: پوست، گوشت و خون من هم می گوید: «اشهد ان لااله الاالله».

مرتبهٔ سوم، ذکر عملی است که امام صادق(ع) می فرماید: اگرچه اذکار لفظی نظیر تسبیحات اربعه، ذکر است، اما قرآن یک چیز دیگر می خواهد و آن ذکر عملی است، به این معنا که انسان موقع انجام هر عملی، ببیند حلال است یا حرام و محرمات را ترک کند و واجبات را به جا آورد. امام(ره) بارها می گفتند که: همه جا محضر خداست، ما در محضر خدا هستیم، ادب حضور باید مراعات شود. این همان ذکر عملی است.

امام مهدی (عج) موعود ادیان

موضوع منجی موعود در همه ادیان آسمانی به نام خاصی آمده است و این خود به تنهایی اهمیت مطلب و حقانیت آن را نشان می دهد. آیت‌الله عاملی در سخنرانی زیر از جنبه دیگری به موضوع پرداخته‌اند و آن اقامه دلیل عقلی بر این عقیده است که جهان باید منجی داشته باشد، وگرنه آفرینش آن لغو و بیهوده می شود. به ضرورت تبدیل گفتار به نوشتار، اندک تصرف و تلخیص صورت گرفته و سعی شده هیچ نکته مهمی از قلم نیفتد

آیت الله سیدحسن عاملی

امام جمعه اردبیل

سخنرانی کلامی

مهدویت مخصوص شیعه نیست، بلکه دلیل عقلی بر وجود او قائم است و لذا نقطه اشتراک بین مسلمان ها و سایر ادیان آسمانی است؛ حضرت ولی عصر(ع) «موعود اُمم» است. بحث ما اقامه دلیل عقلی است بر این که این عالم باید منجی داشته باشد. در چند مطلب هیچ کس تردید ندارد: عقل می گوید که این دنیا باید عاقبت بخیر بشود، باید غایت ملت تأمین بشود، باید انسان های صالح بر دنیا حاکم بشوند، در مبارزه طولانی حق و باطل، باید حق پیروز بشود. اینها همه حکم عقلی است و همهٔ اینها با وجود منجی محقق می شود. پس این عالم باید منجی داشته باشد. اگر امام زمان نباشد، معنایش این است که کائنات به این بزرگی، برای جولان امثال هیتلرها، صدام ها و زمامداران خودسری درست شده است که تا خرخره خون خوردند و کرامت بشریت را شکستند، و این عیب بزرگی است هم برای خلقت و هم برای خالق!

قرار نیست این عالم سفره عیش ظالمان و رستوران قاتلان بشود و به آخر برسد. در تمام دوره های مبارزه حق و باطل، اهل حق در فشار بوده‌اند و هزینه بسیار سنگینی پرداخت شده است. اینها آخرش به کجا می رسد؟ شخصیتی مثل امیرالمؤمنین به شهادت رسید، بدن مبارک اباعبدالله زیر سم اسبها ماند. اگر به همین منوال ادامه پیدا می کرد، اراده خدا در خلقت تعطیل می شد و غایت خلقت تأمین نمی شد.

آیا خدا راضی می شود که دنیا به طرف باتلاقی برود که جز فساد و تباهی بشر نیست و خدا تماشا کند؟! ممکن نیست. اگر یک مجموعه آموزشی تأسیس کنید و به نام شما، انسان های ناشایست از آنجا فارغ التحصیل بشوند، افرادی که اوضاع جامعه را به هم بریزند، شما تماشا می کنید؟!

وقتی غایت خلقت تأمین نشود، عالم به هم می ریزد. تمام ذرات عالم مدیون آن ذات مقدسی هستند که غایت خلقت با او تأمین می شود. معلم خیر درصدد تأمین غایت خلقت است و لذا تمام اولیا چشمشان را به امام زمان دوختند. «**أینَ وَجهُ اللهِ الذي إلَیهِ یَتَوَجَّهُ الأولیاء**؟» این که خدا فرمود: «**لِمَنِ المُلکُ الیَوم**»، فقط برای آخرت نیست. در این دنیا هم باید معلوم بشود که «لِمَنِ المُلکُ الیَوم». اگر آخر دنیا به تباهی ختم بشود، این نشئه لغو می شود. اگر لغو شد، شأن خدا شکسته می شود، شأن انبیا و کتب آسمانی شکسته می شود، شأن تمام اولیایی که در طول تاریخ جان دادند و خون دل خوردند، شکسته می شود.

اگر منجی عالم نباشد، کائنات بی هدف و لغو می شود، و خداوند هیچ وقت چیز لغو را نگه نمی دارد. لذا روایت است که: «**لَولا الحُجَّه، لَساخَتِ الأرضِ بِأهلِها**»: اگر حجت نباشد، کل عالم به هم می ریزد. اوست که غایت خلقت را تأمین می کند. این که در روایت آمده: «اگر از عمر دنیا یک روز بماند، خدا آن روز را آنقدر طول می دهد تا حضرت مهدی ظهور کند»، یعنی ظهور منجی جزو ضروریات این عالم است، با دست او هدف خلقت و اهداف انبیا تأمین می شود. خدای متعال با امام زمان نشان می دهد که فرجام این دنیا، باید به خیر بشود، درگیری های مفصل حق و باطل باید با پیروزی حق به غایت برسد.

اگر عالم عاقبت بخیر نشود، همه چیز به هم می ریزد و لغو می شود. ملائکه گفتند: خدایا، اگر انسان را خلق کنی، دنیا عاقبت بخیر نمی شود، خون می ریزند: «**یَسفِکُ الدِّماءَ**». خدای متعال یک جمله گفت: «**إنِّي أعلَمُ ما لا تَعلَمون**»: من چیزی می دانم که شما نمی دانید؛ یعنی من ذخیره‌ای دارم که می آید عالم را اصلاح می کند، «**یَرِثُها عِبادِيَ الصالِحُون**». حضرت را که می گویند «**بقیه الله**»، یعنی همان ذخیره خداست. خدای متعال این ذخیره را نگاه داشته تا هدف خلقت را تأمین بکند.

چه زمانی غایت خلقت تأمین می شود؟ وقتی که «یَملأُ» باشد: «**یَملأُ الأرضِ قِسطاً و عَدلاً**». «یَملأُ» یعنی همه جا را می گیرد. روایت است اگر حق الناسی زیر دندان کسی باشد، دیگر «یَملأُ» نداریم. امیرالمؤمنین گفت: «اگر مال بیت المال برود به کابین زنها، آن را درمی آورم.» کار حضرت ولی عصر(عج) از این بالاتر است.

حضرت امام می گوید در نفس شما اگر عدالت درست نشد، «یَملأُ» نداریم؛ یعنی «یَملأُ» باید به نفس ما هم برسد تا در مملکت بدن، قوه عاقله حاکم باشد تا بتوانیم بگوییم «یَملأُ». «یَملأُ» اشاره است به جهانی سازی. تا یک نظام جهانی نباشد، نمی شود «یَملأُ» باشد. از آن طرف می گوید: «**مُلِئَت ظُلماً وَ جَورا**» (پر شده باشد از ظلم و جور) که یعنی یک قدرت اهریمنی بر دنیا مسلط می شود، همه جا را فساد می گیرد. حضرت هم یک سیستم جهانی درست می کند و تا آنجایی که پای شتر و اسب و قاطر برسد، توحید حاکم می شود. یعنی یک نظام جهانی است با ابزارهای جهانی.

«**یُصلِحُ اللهُ أمرَه فِي لَیلَة**»: خدای متعال در یک شب امرش را اصلاح می کند. چقدر مقدمات می خواهد تا در یک شب کارش درست بشود. اگر «یَملأُ» درست شد، انسان ها هم وارد می شوند به تکوین «**کُلٌّ فِي فَلَکٍ یَسبَحُون**». این عالم که ما هستیم و مختار، ما هم شدیم «کُل في فَلَکٍ یَسبحون». اگر این دو تا مطابق هم بشوند، بهشت شروع می شود؛ لذا هشتاد وصف بهشت، از زمان حضرت ولی عصر(ع) شروع می شود.

از ره خلق و خو و سیرت زشت
هفت دوزخ تویی و هشت بهشت

آرزوهای فطری

دلیل دوم این است که خدا به انسان ها آرزوهای فطری داده و حتماً برایشان تدبیری کرده است. یک اسم امام زمان، آرزوست: «**أُمنِیَّةٌ شائِق یَتَمَنّي مِن مُؤمِن و مُؤمِنَة ذَکَراً فَحَنّا**»؛ «اُمنیه» یعنی آرزو. حضرت می آید این آرزوهای مقدس را محقق کند. آن ذات مقدس که می خواهد غایت خلقت را تأمین کند، اهداف انبیا را محقق کند، هنرش این است که امر خدا بر تمام امور غالب می شود. در جامعه هر کجا را که نگاه می کنید، ظهور امر خداست. مسئله آسانی نیست. یک نظام اجتماعی ساده نیست که بیاید آن را محقق کند، امکان فساد در آن نباشد. فقط یک راه دارد: «**یَملأُ الأرضِ قِسطاً و عَدلاً**» (زمین را از قسط و عدل پر می کند). «**یَصلَحُ بِهِ الأوَّلُونَ وَ الآخَرُونَ**». این همه انبیا آمدند، چقدر توانستند اصلاح بکنند؟ آن ذات مقدسی که این امر خطیر را بر عهده دارد، معلوم است شأن و جایگاهش عجیب است.

همه معصومین می گویند: «**بِأبي أنتَ وَ أُمي**». چند امام گفته اند: «**لَوْ أدرَکتُهُ، لَخَدَمتُهُ أیّامَ حَیاتي**» (اگر او را درمی یافتم، عمرم را در خدمتش می گذراندم). امام صادق(ع) گفت: «**لَوْ أدرَکتُ ذلِکَ، لَاستَبقَیتُ نَفسِي**»: مواظبت می کردم که به من صدمه‌ای نرسد، چون می خواهم خودم را فدای صاحب این امر بکنم: «**لَاستَبقَیتُ نَفسِي لِصاحِبِ هَذا الأمرِ**».

گر قسمتم شود که تماشا کنم تو را
ای نور دیده، جان و دل اهدا کنم تو را

امیرالمؤمنین(ع) چند بار گفت: «**بِأبي اِبنُ خِیَرَةِ الإماء**»: پدرم فدای کسی باد که مادرش بهترین کنیز است. گاهی امیرالمؤمنین می گفت: «**شوقاً إلی رؤیَتِه**»! امام باقر(ع) تعبیر عجیبی دارد: «بِأبي وَ أُمّي...». در ادبیات عرب تکریم و اظهار تعلقی بالاتر از این نیست: پدر و مادرم فدایت! «**بِأبي وَ أُمّي المُسَمّي بِإسمي، وَ المُکَنّي بِکُنیَتي، السابِغُ مِن بَعدي**: اسمش اسم من است، کنیه اش کنیه من است...» این که «کنیه اش کنیه من است»، یعنی انفجار علمی کار حضرت ولی عصر است. الان دو درصد علم دست مردم است، حضرت که بیاید، ۲۵ درصد، با این دو درصد ۲۷ درصد یعنی یک انفجار.

امام رضا(ع) فرمود: «**بابي و امّي سمي جدي شبیهي و شبیه موسي بن عمران...**: پدر و مادرم فدای کسی که همنام جدم است، شبیه من است و شبیه موسی بن عمران است» که تمام بساط طاغوت را جمع کرد. «**عَلَیهِ جُیوبُ النور**» لباسی دارد که «**تتوقد بِشُعاعِ ضِیاءِ القُدس**» از جنس نور قدس است. امام زمان را با عدل و نور معرفی کردند.

باز پیغمبر(ص) فرمود: مردی از اولاد من است همچون ماه تابان: «**کَالقمرِ الدُّري عَلیهِ جَلابیبُ النُّور**»: لباسش تماماً نور است.

امام رضا فرمود: «**ألبَسَهُ اللهُ تاجَ الوقار**»: بر سر او تاج وقار و هیبت است، «**وَ غَشّاهُ بِنُورِ الجَبّار**»: خدا با نور خودش که نور جبار است، نور دنیوی نیست، او را پوشانده است.

حضرت رسول(ص) دو اسم دارد: یکی اسم آسمانی است «احمد»، یکی اسم زمینی است «محمد»؛ فرمود: «هر دو اسمم را به فرزندم مهدی اهدا کردم.» مراد لفظ نیست، صرف لفظ شرفی ندارد. می خواهد بیان کند که مأموریت فرزندم مهدی، تکمیل مأموریت من است.

مواریث انبیا

تعبیری آمده است که: «**المُنتَهی الَیهِ مَواریثُ الأنبیاء وَ لدیه موجود آثارُ الأصفیاء**». تمام مواریث انبیا و اولیا به حضرت رسیده است، از عصای موسی تا تمام مقاماتی که خدا به انبیا داده است. در روایت آمده است: هیبت موسی، بهاء عیسی، حکم داوود، صبر ایوب در او جمع شده است؛ لذا گفتند «خاتم الاوصیاء»، یعنی خاتم جمال تمام اوصیایی که در تاریخ بودند. هر چه تمام انبیا داشتند، حضرت دارد.

تکیه می کند به کعبه و می فرماید: «**مَن یُحاجُّني فِي آدَم وَ أنَا أولادِ آدَم**»: چه کسی حاضر است با من درباره آدم محاجه کند؟ من اولاد آدم هستم. یعنی خدا به آدم هر چه داده، به من داده است. «**وَ عَلَّمَ آدَمَ الأسماءَ کُلَّها**»: تمام علوم را به آدم دادیم، تمام علوم در خدمت حضرت است.

می فرماید: «**مَن یُحاجُّني فِي اِبراهیم، فَأنَا أولی بِإبراهیم**»: چه کسی می تواند با من درباره ابراهیم محاجه کند؟ من اولی به ابراهیم هستم؛ یعنی مقاماتی که خدا به ابراهیم داد، مقام «خلّت» را داد، همه را به من داده است. «**مَن یُحاجُّني فِي مُحَمَّد، فَأنَا أولی بِمُحَمَّد**»: من از محمد ارث بردم، من اولی به او هستم. «**مَن یُحاجُّني فِي القُرآن**»: چه کسی می تواند با من با قرآن (که صورت کتبی انسان کامل است) محاجه کند؟ «**فَأنَا أولی بِقُرآن**» تمام مقاماتی که قرآن برای بشر تدارک دیده است، همه را خدا یکجا به من داده است.

انتظار فرج

این عظمت، این ظهور اسما و صفات حضرت حق در عالی ترین وجه باید زنده باشد. جمال عالم اگر حضرت است و انسان ها امیدشان به اوست، او باید زنده باشد. تفاوت ما با سایر ادیان همین جاست. فقط شیعه است که می گوید امام زمان زنده است. یک فلسفهٔ زنده بودن، این است که مدام بگوییم: الان می آید، الان می آید. اگر زنده نباشد، نمی گوییم؛ لذا فرمود: «**تَوَقَّع أمرَ صاحِبِکَ لیلَکَ و نهارَکَ**»: صبح شد، بگو امروز امام زمان می آید؛ شب شد، بگو امشب امام زمان می آید. امام زمان وقتی زنده باشد، یک مدرسه تربیتی درست می شود.

اینجاست که انتظار فرج بزرگترین حرکت امید از طرف خدا برای بشریت می شود. بسیاری از اهل سنت در این خصوص با ما همراهند. ۱۵۰ عالم اهل سنت تأیید کرده‌اند که حضرت ولی عصر متولد شده است. علامه عسکری می گفت من نوشتهٔ هجده عالم برجسته را پیدا کرده‌ام که می گویند حضرت ولی عصر فرزند امام حسن عسکری است. ولی من از طرق دیگر می خواهم این بحث را بکنم:

اولین دلیل ما، حدیث ثقلین است: «**لَن یَفتَرِقا**». قرآت و عترت از هم جدا نمی شوند. تفتازانی و بزرگان دیگر می گویند: اگر قرآن باشد و کسی از اهل بیت زنده نباشد، افتراق ایجاد می شود.

دوم، آیا بعد از پیغمبر، شب قدر هست یا نیست؟ آیا نزول ملائکه هست یا نیست؟ حضرت رسول(ص) بارها این مسئله را در بین اصحاب مطرح می کرد که: آیا بعد از من شبِ قدر هست یا نیست، نزول فرشتگان هست یا نیست؟ اگر هست، بر چه کسی نازل می شود؟ «**تَنَزَّلُ المَلائِکَةُ وَالرُّوح**». روح بر انسان عادی نازل می شود؟ حضرت را که «ولی عصر» می گویند، یک معنی اش این است که آن امر بر ایشان نازل می شود.

امیرالمؤمنین فرمود: بارها حضرت رسول(ص) سوره «إنّا أنزَلنا» را پیش من، خلیفه اول و دوم با خشوع تمام و بکا می خواند. می گفتند: «یا رسول الله، چقدر به این سوره علاقه دارید!» می فرمود: «**لِما رَأت عیني وَ وعی قَلبي وَ لِما یری قَلبُ هذا مِن بَعدي**: به خاطر آنچه چشم دیده و دلم دریافته است، به خاطر اینکه بعد از من، قلب این آقا می بیند»، یعنی امیرالمؤمنین. می گفتند: «شما چه چیزی دیدید و او چه چیزی دیده است؟» فرمود روی خاک بنویسید: «**تَنَزَّلُ المَلائِکَةُ وَ الرُّوحُ فیها بِإذنِ رَبِّهِم مِن کُلِّ أمر**». بعد می فرمود: نوشتید «مِن کُلِّ أمر؟ بعد از این، دیگر چیزی ماند؟» می گفتند: «نه، دیگر چیزی نماند.» می فرمود: «آن امر به چه کسی نازل می شود؟» گفتند: «بر شما.» می فرمود: «**هَل تَکُونُ لَیلَةِ القَدرِ مِن بَعدي**: آیا بعد از من، شب قدر هست؟» می گفتند: «بله، هست.» حضرت می فرمود: «**فهل ینزل ذلک الأمر فیها**: آیا آن امر در آن شب نازل می شود یا نه؟» می گفتند: بله. می فرمود: «**الی من**: بعد از من، به چه کسی نازل می شود؟» می گفتند: «لا ندری: نمی دانیم!» «**فَیَأخُذُ بِرَأسي وَیَقول: إن لم تدریا، فادریا**: سر مرا گرفت و فرمود: «اگر نمی دانید، بدانید، **هوهذا مِن بَعدي**: آن شخص پس از من، همین است» و بعد از او ذریه اش؛ لذا در روایت است که امام باقر(ع) می فرمود: «**خاصِمُوا بِسُورَةِ إنّا أنزَلنا تُفلِجوا**»: با «انّا انزلنا» محاجه بکنید. معلوم می شود که امامی هست.

شیعه و سنی نقل کرده‌اند: «**مَن ماتَ وَ لَم یَعرِف امامَ زمانِه، ماتَ مَیتَةً جاهِلیة**». کدام امام است که اگر او را نشناسیم، مرگ مان میت جاهلی است؟ یعنی نه توحید داریم، نه رسالت داریم، هیچ چیزی نداریم! یک امامی الان نشان بدهید که این قدرت را داشته باشد!

بهترین راه ارتباط

حضرت مصلح است، باید با مصلح سنخیت داشته باشیم، یعنی اهل صلاح و اصلاح باشیم. اگر می خواهید با حضرت ارتباط داشته باشید، در قدم اول باید مصلح باشید. دوم باید خیلی برای فرج دعا کرد. راوی می گوید: رفتم دیدم امام صادق(ع) به پایش می زند و گریه می کند. گفتم: «چرا گریه می کنید؟» فرمود: «خدا به خاطر کربلا غضب کرد و ظهور فرزندم مهدی را به تأخیر انداخت. من به حال ضعفای شیعه در دوران غیبت گریه می کنم.» بهترین عبادت این است که دعا کنیم خدای متعال دوران بقیه غیبت را ببخشد و حضرت ظهور بکند.

مطلب سوم این است که ما چشم حضرت را چشم خدا بدانیم: «**وَ عینِکَ الناظِرَه بِإذنِک**» حضرت ناظر است. «**وَ شاهِدِکَ عَلی عِبادِک**». کسی به امام رضا(ع) گفت: «مرا فراموش مکن!» فرمود: «چطور فراموش کنم که هر روز تو و اعمالت به من عرضه می شوید.» اگر بخواهیم با حضرت ولی عصر ارتباط برقرار کنیم، راهش معرفت به حضرت است. اگر کسی می خواهد آمادگی پیدا کند برای حضرت، قدرت روحی اش را بیشتر کند. قدرت روحی یعنی «تقوا»؛ چون اصحاب حضرت «**قُلوبُهُم کَزُبَرِ الحَدید**» است. فرمود شیعیان ما آن زمان، قدرتمندتر از شیر و برنده تر از شمشیرند. اما گاهی از یک نگاه نامحرم نمی توانیم بگذریم. ماه رمضان نمی تواند از جنسی که احتکار کرده است، بگذرد! عید می آید، می خواهد برای بچه هایش چیزی بخرد، اینجا با امام زمان معامله کن. آن کسی که می خواهد با امام زمان معامله داشته باشد، در هر کار خیری حضرت را نیت کند و آن کار را انجام بدهد. این بهترین رابطه با حضرت ولی عصر(ع) است.

بعضی ها می گویند کاش می دانستم چه چیزی امام زمان را خوشحال می کند، آن را انجام بدهم. از سر تحقیق عرض می کنم: رسیدگی به ایتام آل محمد، آنهایی که زندگی شان ضعیف است، آسیب پذیر هستند! حضرت فرمود: «**شیعَتُنا جُزءٌ مِنّا. یَسُرّنا ما یَسُرّهُم وَ یَحزَنُنا ما یَحزَنُهُم**». اگر می خواهید شب عید، با آرامش و بدون عذاب وجدان کنار سفره بنشینید، به کسانی که تحت نظر شما کار می کنند، رسیدگی کنید. اگر کسی را می شناسید که گرفتار است، آبرویش در خطر است، رسیدگی به آنها رسیدگی به امام زمان است و اگر به آنها بی اعتنایی کنید، به امام زمان بی اعتنایی کردید. امام صادق(ع) به کسی فرمود: «چرا آبروی من را می ریزید؟» گفت: «پناه می برم به خدا که آبروی شما را بریزم!» فرمود: «از کسانی که آبروی مرا می ریزند، تو هستی. وقتی که به حج می آمدی، پیرمردی گفت من طاقت راه رفتن ندارم، بگذار قدری بر مرکب تو سوار بشوم. تو صورتت را کج کردی. تو به من اهانت کردی!»

اگر کسی می خواهد دستش را در دست امام زمان بگذارد، راهش این است که برود سراغ کسانی که از فرزندانشان شرمنده‌اند و در عید، بچه هایشان خود را با بچه های دیگر مقایسه می کنند؛ چیزهایی که مرسوم است می خرند، دلشان می شکند، آه می کشند. یک دعا هم یاد بدهم: «**اللّهُمَّ أرِني الطَّلعَةَ الرَّشیدَةَ، وَالغُرَّةَ الحَمیدَة**»: خدایا، امام زمان را به من نشان بده.

بعضی ها می گویند کاش می دانستم چه چیزی امام زمان را خوشحال می کند، آن را انجام بدهم. از سر تحقیق عرض می کنم: رسیدگی به ایتام آل محمد، آنهایی که زندگی شان ضعیف است، آسیب پذیر هستند! آن حضرت مصلح است، باید با مصلح سنخیت داشته باشیم، یعنی اهل صلاح و اصلاح باشیم. اگر می خواهید با حضرت ارتباط داشته باشید، در قدم اول باید مصلح باشید. دوم باید خیلی برای فرج دعا کرد

آگهی تغییرات
شرکت سهامی عام تولید فیبر ایران به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۴۲۹۴۲۷ و به شماره ثبت ۱۰۶۷۳
به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۴۰۲/۱۰/۲۵ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: موسسه حسابرسی هدف نوین نگر به شناسه ملی ۱۰۳۲۰۵۳۷۵۲۰ به سمت بازرس اصلی و موسسه حسابرسی فریوران راهبرد به شناسه ملی ۱۰۸۶۱۸۷۳۱۱۹ به سمت بازرس علی البدل تا پایان سال مالی انتخاب گردیدند روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت نشر آگهی های شرکت تعیین گردید. ترازنامه و حساب سود و زیان و صورت های مالی برای سال مالی منتهی به ۱۴۰۲/۰۶/۳۱ به تصویب رسید.
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری تهران
(۱۶۵۸۲۰۰)

آگهی تغییرات
شرکت سهامی خاص مبین صنعت امند به شناسه ملی ۱۴۰۰۸۷۵۲۱۴۱ و به شماره ثبت ۶۰۴۵۴۲
به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۴۰۲/۰۴/۳۱ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: موسسه حسابرسی وخدمات مالی کوشامنش به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۴۳۴۱۱۰ به سمت بازرس اصلی تا پایان سال مالی موسسه وانیا نیک تدبیر به شناسه ملی ۱۰۳۲۰۷۲۱۸۶۲ به سمت بازرس علی البدل تا پایان سال مالی انتخاب گردیدند.
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری تهران
(۱۶۵۸۲۰۴)

آگهی تغییرات
شرکت سهامی خاص مهندسی راه یاب زرفام به شناسه ملی ۱۰۳۲۰۸۸۹۳۷۱ و به شماره ثبت ۴۴۱۹۷۹
به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۴۰۲/۱۰/۱۲ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: آقای علی خان محمد به شماره ملی ۰۰۴۷۴۶۲۷۴۴ به سمت نایب رئیس هیئت مدیره تا تاریخ ۱۴۰۴/۱۰/۱۲ آقای سید علیرضا فاطمی به شماره ملی ۰۰۵۵۰۲۸۹۶۹ به سمت عضو اصلی هیئت مدیره تا تاریخ ۱۴۰۴/۱۰/۱۲ آقای امیرفرهاد اسمعیلی به شماره ملی ۰۰۶۹۲۱۸۸۴۶ به سمت رئیس هیئت مدیره تا تاریخ ۱۴۰۴/۱۰/۱۲ و به سمت مدیرعامل تا تاریخ ۱۴۰۴/۱۰/۱۲ انتخاب گردیدند. کلیه اوراق و اسناد تعهد بهادار و تعهدآور از قبیل چک، سفته، برات و قراردادها و عقود اسلامی با امضاء مدیرعامل و یکی از اعضای هیات مدیره متفقا همراه با مهر شرکت و کلیه نامه های عادی و اداری با امضای با امضاء مدیرعامل همراه با مهر شرکت معتبر می باشد.
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری تهران
(۱۶۵۸۲۰۵)

آگهی تغییرات شرکت سهامی خاص ویراسهند تبریز به شناسه ملی ۱۰۲۰۰۲۵۵۷۷۰ و به شماره ثبت ۵۹۵۷۴۱
به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۴۰۲/۰۴/۳۱ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: شرکت سرمایه گذاری مهر اقتصاد ایرانیان (سهامی خاص) به شماره ثبت ۱۰۳۲۲۲ وشناسه ملی ۱۰۱۰۱۴۷۱۳۸۸ به نمایندگی آقای بابک خالقی فر به شماره ملی ۱۵۳۴۰۱۷۲۷۵ بعنوان رئیس هیأت مدیره تا تاریخ ۱۴۰۴/۰۴/۳۱ شرکت گروه مالی مهر اقتصاد (سهامی عام) به شماره ثبت ۱۴۳۳۸۰ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۸۶۳۵۲۸ سید روح اله حسینی رستمی به شماره ملی ۰۰۶۹۶۵۳۱۵۱ بعنوان نائب رئیس هیئت مدیره تا تاریخ ۱۴۰۴/۰۴/۳۱ شرکت افق نیلی خلیج فارس (سهامی خاص) به شماره ثبت ۴۱۲۲۶۵ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۶۳۷۷۶۹ به نمایندگی آقای مرتضی بیگدلی به شماره ملی ۰۰۷۸۱۴۰۷۲۲ بعنوان مدیرعامل و عضو هیأت مدیره تا تاریخ ۱۴۰۴/۰۴/۳۱ انتخاب گردیدند کلیه اوراق و اسناد تعهدآور، قراردادها، چکها، بروات و سفته ها و غیره با امضاء مدیرعامل و یکی از اعضاء هیأت مدیره و در غیاب مدیرعامل با امضاء دو نفر از اعضاء هیأت مدیره همراه با مهر شرکت و سایر اوراق عادی و اداری و پرسنلی با امضاء مدیرعامل همراه با مهر شرکت خواهد بود. اختیارات هیئت مدیره به شرح ذیل به مدیرعامل تفویض گردید * نمایندگی شرکت در برابر اشخاص و کلیه ادارات دولتی و موسسات خصوصی. * تهیه و تنظیم بودجه برای اداره کردن شرکت و